View the original article

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ تغییر ساختار وزارت اطلاعات؛ «رقابت پنهان بر سر قدرت و کنترل جامعه»

محمد ضرغامی

۰۷/آذر/۱۴۰۵



مجلس شورای اسلامی بررسی طرح اصلاح قانون تأسیس وزارت اطلاعات و قانون تعیین ضوابط و شرایط انتصاب وزیر اطلاعات را در دستور کار خود قرار داده است؛ طرحی که به موازات تصویب طرح موسوم به «مقابله با نفوذ بیگانگان» پیش می‌رود و می‌تواند توازن اختیارات و سازوکار نظارت بر وزارت اطلاعات را تغییر دهد.

این طرح تشکیل دو سازمان عقیدتی سیاسی و حفاظت اطلاعات را در ساختار وزارت اطلاعات پیش‌بینی کرده است که رؤسای آن‌ها مستقیماً از سوی رهبر جمهوری اسلامی منصوب خواهند شد.

در برنامهٔ رادیویی «پاراگراف اول»، بابک دربیکی، مشاور پیشین وزیر ارشاد و رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی این وزارتخانه در دولت اول حسن روحانی، از لندن و علی افشاری، فعال سیاسی و از چهره‌های پیشین جنبش دانشجویی ایران، از واشینگتن دربارهٔ اهداف و پیامدهای این طرح گفت‌وگو کرده‌اند؛ از

ارتباط آن با مسئلهٔ نفوذ و رقابت میان نهادهای اطلاعاتی گرفته تا تأثیر آن بر سازوکار نظارت و پاسخ‌گویی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی.



بازکردن در پنجره جدید

لینک مستقیم

وزارت اطلاعات در آستانهٔ کاهش اختیارات

علی افشاری دربارهٔ طرح تغییر ساختار وزارت اطلاعات می‌گوید اجرای آن می‌تواند این وزارتخانه را از ساختار اولیه‌اش دور کند و عملاً به نهادی زیر نظر مستقیم رهبر جمهوری اسلامی تبدیل کند.

به گفتهٔ او، این طرح حدود دو دهه سابقه دارد، اما اکنون در آغاز دورهٔ رهبری مجتبی خامنه‌ای بار دیگر مطرح شده است.

آقای افشاری یادآوری می‌کند که سعید حجاریان، از طراحان ساختار وزارت اطلاعات، در نخستین سال‌های پس از انقلاب برای تشکیل دستگاه اطلاعاتی متمرکز تلاش می‌کرد، هرچند آیت‌الله خمینی در ابتدا با تشکیل این وزارتخانه موافق نبود. در ساختاری که شکل گرفت، رئیس‌جمهور وزیر اطلاعات را معرفی می‌کرد و انتخاب او با تأیید رهبر صورت می‌گرفت.

از نظر آقای افشاری، طرح جدید این توازن را تغییر می‌دهد؛ به این ترتیب که رئیس‌جمهور همچنان وزیر اطلاعات را معرفی می‌کند، اما انتصاب مستقیم برخی مسئولان کلیدی وزارتخانه از سوی رهبر، از جمله رئیس سازمان حفاظت اطلاعات، به کاهش اختیارات وزیر می‌انجامد.

رقابت نهادهای اطلاعاتی و منازعه بر سر قدرت

بابک دربیکی ریشهٔ این تغییر را در رقابت میان نهادهای اطلاعاتی موازی می‌بیند؛ نهادهایی که به‌جای برخورداری از تقسیم کار مشخص، برای کسب منابع و اختیارات بیشتر و نزدیکی به مراکز قدرت با یکدیگر رقابت می‌کنند. به گفتهٔ او، گاه یک نهاد فردی را جاسوس می‌داند و نهادی دیگر همان اتهام را رد می‌کند.

او این منازعه را در سه سطح بررسی می‌کند: قدرت نهادهای امنیتی در برابر جامعه و نهادهای مدنی، رقابت میان خود این نهادها و تلاش رهبر برای افزایش کنترل مستقیم بر دستگاه اطلاعاتی کشور.

علی افشاری شکل‌گیری این وضعیت را با گسترش نهادهای اطلاعاتی موازی پس از تأسیس وزارت اطلاعات مرتبط می‌داند. او در این زمینه به بخش‌های اطلاعاتی دادگاه انقلاب، نیروهای جداشده از وزارت اطلاعات و تشکیلات اطلاعاتی سپاه، نیروی انتظامی، ارتش و حفاظت اطلاعات وزارت دفاع اشاره می‌کند.

به گفتهٔ او، نوع رابطهٔ دولت و رهبر جمهوری اسلامی در دوره‌های مختلف تعیین می‌کرد که وزارت اطلاعات در مرکز تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرد یا به حاشیه رانده شود.

از نگاه آقای افشاری، آیت‌الله علی خامنه‌ای در دورهٔ رهبری خود به‌تدریج اختیارات نهادهای زیر نظرش را افزایش داد؛ روندی که ممکن است در آغاز دورهٔ رهبری مجتبی خامنه‌ای شدت بیشتری بگیرد.

بابک دربیکی این احتمال را مطرح می‌کند که وزارت اطلاعات برای تقویت موقعیت خود در برابر سازمان اطلاعات سپاه، حاضر شده باشد بخشی از استقلالش را در ازای نزدیکی بیشتر به رهبر جمهوری اسلامی واگذار کند.

او با اشاره به اظهارات علاءالدین بروجردی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، دربارهٔ نقش وزارت اطلاعات و نمایندهٔ رهبر در حفاظت اطلاعات، این احتمال را مطرح می‌کند، اما آن را قطعی نمی‌داند.

به باور آقای دربیکی، اختلاف بر سر ساختار جدید وزارت اطلاعات در اصل منازعه‌ای بر سر تقسیم قدرت سیاسی و امنیتی است. او اختلاف محمود احمدی‌نژاد با آیت‌الله خامنه‌ای بر سر وزارت اطلاعات را نمونه‌ای از این کشمکش می‌داند؛ الگویی که به وزارتخانه‌هایی چون ارشاد، آموزش‌وپرورش و علوم نیز تسری یافته و در دولت مسعود پزشکیان همچنان ادامه دارد.

او تأکید می‌کند که قدرت تنها در اختیار تصمیم‌گیرندگان نیست، بلکه تولید اطلاعات و تعیین مبنای تصمیم‌گیری‌ها نیز به‌خودی‌خود نوعی قدرت است.

ابهام‌ها دربارهٔ طرح اصلاح ساختار وزارت اطلاعات

علی افشاری می‌گوید با وجود سابقهٔ طولانی بحث دربارهٔ تغییر ساختار وزارت اطلاعات، مشخص نیست طرح کنونی را چه کسی تدوین کرده است. این طرح ابتدا قرار بود به‌صورت دوفوریتی بررسی شود، اما مجلس با بررسی یک‌فوریتی آن موافقت کرد. او همچنین به ابهام‌ها دربارهٔ حذف شرط اجتهاد برای تصدی وزارت اطلاعات اشاره می‌کند.

از نظر آقای افشاری، تلاش برای افزایش اختیارات دستگاه اطلاعاتی زیر نظر رهبر در حالی صورت می‌گیرد که بخش مهمی از شکست‌های اطلاعاتی اخیر به سازمان اطلاعات سپاه مربوط بوده است، نه وزارت اطلاعات. از این رو، او تقویت جایگاه نهادهایی را که در این شکست‌ها نقش داشته‌اند، پرسش‌برانگیز می‌داند.

آقای افشاری با اشاره به تجربهٔ شخصی خود از بازداشت و بازجویی به دست مأموران وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه، معتقد است که وزارت اطلاعات در زمینهٔ آموزش و شیوه‌های کار اطلاعاتی تا حدی از سنت حرفه‌ای ساواک در دوران پهلوی تأثیر پذیرفته است. او این سنت را در مقابل رویکرد متکی بر ابزارهای نظامی و اعمال زور در نهادهایی چون سپاه قرار می‌دهد.

او همچنین به اختلاف‌ها بر سر انتخاب نخستین وزیر اطلاعات در دوران رهبری آیت‌الله خمینی اشاره می‌کند. به گفتهٔ آقای افشاری، فشار احمد خمینی مانع انتخاب اسماعیل فردوسی‌پور شد و در نهایت محمد محمدی ری‌شهری به این سمت رسید.

نفوذ اطلاعاتی؛ واقعیت یا ابزار رقابت بر سر قدرت؟

بابک دربیکی می‌گوید در ساختارهای پاسخ‌گو، شکست‌های اطلاعاتی باید به تحقیقات مستقل و پاسخ‌گویی مدیران منجر شود، اما در جمهوری اسلامی گاه نهادی که شکست خورده، به‌جای پاسخ‌گویی، امتیازات بیشتری به دست می‌آورد و در مقابل، نهادی دیگر تضعیف می‌شود.

او در این زمینه بر نقش حسین طائب، رئیس کنونی سازمان بسیج مستضعفین، و نمایندگان اصول‌گرای حامی طرح در مجلس تأکید می‌کند و معتقد است که آن‌ها ممکن است از ناکامی‌های اطلاعاتی برای تقویت موقعیت خود بهره ببرند.

علی افشاری نیز با اشاره به کارنامهٔ اطلاعاتی حسین طائب این پرسش را مطرح می‌کند که اگر او از توانایی لازم برخوردار بوده، چرا در سال ۱۴۰۱ از ریاست سازمان اطلاعات سپاه کنار گذاشته شد.

به اعتقاد آقای افشاری، انتصاب فردی نزدیک به سپاه در رأس تشکیلات حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات می‌تواند به تشدید کنترل بر این وزارتخانه و فراهم‌شدن زمینهٔ پرونده‌سازی منجر شود.

او همچنین نگاه مبتنی بر نظریهٔ توطئه را در سپاه پررنگ می‌داند و می‌گوید این نهاد می‌کوشد مخالفت‌های داخلی را با نسبت‌دادن آن‌ها به آمریکا و اسرائیل توضیح دهد. از نظر او، تصفیه‌ها، مداخله‌های سیاسی و ورود نیروهای فاقد تجربهٔ حرفه‌ای، توان تخصصی دستگاه‌های امنیتی را کاهش داده است.

آقای افشاری معتقد است مجتبی خامنه‌ای ممکن است برای تثبیت قدرت خود به کنترل همه‌جانبهٔ نهادها روی بیاورد، هرچند موقعیت او در آغاز دورهٔ رهبری ضعیف‌تر از موقعیت پدرش است و مسعود پزشکیان شاید امکان بیشتری برای مقاومت در برابر این روند داشته باشد.

بابک دربیکی در بررسی مسئلهٔ نفوذ اطلاعاتی به تحول ابزارها و شیوه‌های گردآوری اطلاعات نیز توجه می‌دهد. به گفتهٔ او، فناوری‌های نظارتی، داده‌های دیجیتال و فرادادها، ماهواره‌ها و نفوذ سایبری ماهیت کار اطلاعاتی را تغییر داده‌اند و هر موفقیت اطلاعاتی آمریکا یا اسرائیل لزوماً به معنای حضور جاسوس در عالی‌ترین رده‌های حکومتی نیست.

او همچنین معتقد است که حتی تصور وجود نفوذ می‌تواند ابزاری برای جنگ روانی باشد و با دامن‌زدن به بدگمانی، همکاری میان نهادها و روند تصمیم‌گیری را مختل کند.

علی افشاری نیز با تأکید بر این‌که مسئلهٔ نفوذ را نمی‌توان صرفاً با تغییر ساختار وزارت اطلاعات حل کرد، بحران مشروعیت، شکاف میان حکومت و جامعه، محدودیت مشارکت سیاسی و بسته‌بودن ساختار حکمرانی را از عوامل آسیب‌پذیری اطلاعاتی جمهوری اسلامی می‌داند.

دشمن‌سازی و کارکرد روانی قوانین امنیتی

بابک دربیکی می‌گوید قوانین امنیتی، علاوه بر کارکرد اجرایی، کارکرد روانی و تبلیغاتی نیز دارند و می‌توانند افراد جامعه را به خودسانسوری وادارند.

به گفتهٔ او، دستگاه اطلاعاتی پیش از این نیز برای برخورد با افراد و محدودکردن فعالیت‌های مدنی لزوماً به قوانین تازه نیاز نداشته است. اهمیت چنین قوانینی از نظر او در گسترش احساس ناامنی و ترس از برخوردهای حکومتی در جامعه است.

او به برخورد با پرستو احمدی، خوانندهٔ کنسرت مجازی کاروانسرا، زندانی‌کردن محمد مالجو، پژوهشگر اقتصاد سیاسی، و بازرسی تلفن‌های همراه شهروندان در مترو اشاره می‌کند؛ نمونه‌هایی که به باور او، پیامشان تنها متوجه افراد هدف نیست، بلکه هنرمندان، روشنفکران و دیگر شهروندان را نیز مخاطب قرار می‌دهد.

با این حال، آقای دربیکی با اشاره به عقب‌نشینی حکومت در زمینهٔ اجرای حجاب اجباری می‌گوید فشار جامعهٔ مدنی و خواست عمومی می‌تواند حکومت را به عقب‌نشینی از سیاست‌های محدودکننده وادار کند.

علی افشاری نیز تأکید می‌کند که پیامدهای امنیتی سیاست دشمن‌سازی جمهوری اسلامی به‌مراتب بیشتر از پیامدهای اقداماتی است که حکومت از آن‌ها به‌عنوان تحرکات دشمن یاد می‌کند.

این مطلب بخشی از:

سیاسی | بایگانی | فراتر از خبر | پاراگراف اول

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.